



دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر

فصلنامه‌ی علمی- پژوهشی فضای جغرافیایی

سال سیزدهم، شماره‌ی ۴۴  
زمستان ۱۳۹۲، صفحات ۱۸-۱

کرامت اله زیاری<sup>۱</sup>  
روح اله اسدی<sup>۲</sup>  
مجتبی صادقی<sup>۳</sup>

## تحلیل، مدل‌سازی و پیش‌بینی نقش اشتغال در مهاجرت‌های منطقه‌ای نمونه: استان سیستان و بلوچستان

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۰/۱۰/۱۵

تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۰۳/۲۰

### چکیده

رابطه اشتغال و مهاجرت در سطوح فضایی استان سیستان و بلوچستان اعم از مناطق شهری و روستایی مساله‌ای است که این پژوهش با هدف تحلیل، مدل‌سازی و پیش‌بینی نقش اشتغال در مهاجرت، آن را دنبال می‌کند. روش تحقیق، روشی توصیفی-تحلیلی، با رویکرد کمی است که در آن از مدل‌های بازار کار، همبستگی و رگرسیون استفاده شده است. دو متغیر (کمبود شغل و مهاجرت به بیرون) به دست آمده از مدل بازار کار، به ترتیب به عنوان متغیر مستقل و وابسته در فرایند مدل‌سازی وارد شدند و سپس رابطه‌ی آن‌ها پیش‌بینی شد. این پژوهش، مهاجرت را پیامد تفاوت‌های جغرافیایی در عرضه و تقاضای نیروی کار دانسته و نشان می‌دهد که طی پنج دهه (۱۳۳۵-۱۳۸۵) وضعیت بازار کار در مناطق روستایی نسبت به مناطق شهری وخیم تر بوده است. در مناطق شهری و روستایی رابطه‌ی قوی و مستقیمی بین کمبود شغل و مهاجرت‌های این مناطق وجود دارد (ضریب همبستگی برابر ۰/۹). ۹۰ درصد از مهاجرت‌هایی که طی پنج دهه در مناطق شهری و روستایی رخ داده است، با عامل کمبود شغل، تبیین می‌شود. پیش‌بینی می‌شود هر زمانی که کمبود شغل در مناطق شهری به طور کامل از بین برود و مازاد شغلی هم

E-mail: zayyari@ut.ac.ir

E-mail: ro.asadi@gmail.com

E-mail: m.sadeghi64@gmail.com

۱- استاد گروه جغرافیای دانشگاه تهران.

۲- دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه فردوسی مشهد.

۳- دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه فردوسی مشهد.

وجود نداشته باشد، این مناطق مهاجرپذیر خواهند شد (حدود ۲۳۰۰۰ نفر)، و اگر این پدیده در مناطق روستایی رخ دهد، مهاجرفرستی مناطق روستایی، با کاهش بسیار زیادی به حدود ۵۰۰ نفر تقلیل خواهد یافت. یافته‌ها نشانگر آن است که "مازاد اشتغال برابر است با کشش جمعیت به منطقه و کمبود اشتغال برابر است با رانش جمعیت از منطقه"، بنابراین ایجاد اشتغال در منطقه از طریق اولویت دادن به سرمایه گذاری در ایجاد فرصت های شغلی جدید، می تواند به عنوان موثرترین راه حل برای جلوگیری از تخلیه جمعیت مناطق شهری و روستایی استان شناخته شود.

**کلید واژه ها:** مدلسازی، اشتغال، مهاجرت، مدل بازار کار، استان سیستان و بلوچستان.

#### مقدمه

یکی از مسائل مهم در مطالعات منطقه‌ای، مسأله‌ی مهاجرت‌های منطقه‌ای، علت و سطوح فضایی آن می‌باشد. پیرامون تبیین این جستار، پرسش‌هایی مطرح است: اشتغال چیست؟ مهاجرت چیست؟ چه رابطه‌ای بین مهاجرت و اشتغال وجود دارد؟ و هزاران پرسش دیگر. اشتغال را می‌توان انجام دادن یا بر عهده گرفتن انجام کار در مقابل دریافت یا صورتی دیگری از پاداش دانست (پاتر و ایونز، ۱۳۸۴: ۲۴۵). «مهاجرت عبارت است از جابجایی بین دو واحد جغرافیایی و یا به عبارت دیگر ترک یک سرزمین و اسکان در سرزمین دیگر» (کلارک، ۱۳۸۱: ۱۷۴). مهاجرت یک جریان است نه یک رویداد (سامرویل و سامپتون، ۲۰۰۹: ۱۰).

عوامل مهاجرت‌زای داخلی، در کشورهای در حال توسعه که در ایران نیز قابل اندیشیدن است دو دسته‌اند: (۱) عوامل رکودی، عواملی هستند که با افزایش جمعیت روستاها و ثابت ماندن سطح زیر کشت یا حجم تولید و در نتیجه با مهاجرت جمعیت اضافی به مناطق پر رونق، بروز می‌کند. (۲) عوامل تغییردهنده، عواملی هستند که در اثر به کارگیری روش‌های تولید سرمایه‌داری در منطقه به وجود می‌آیند و با کاهش تعداد شاغلین باعث مهاجرت نیروی کار به مناطق دیگر می‌شوند (رحیمی، ۱۳۷۲: ۱۵۹). لویس<sup>۵</sup>، تودارو<sup>۶</sup>، فی و رانیس<sup>۷</sup>، هایس و استیگلیتز<sup>۸</sup> دلیل اصلی مهاجرت‌های روستا-شهری را در ساختارهای اقتصادی، و هرزوغ نیز بر عوامل درآمد، اشتغال و بیکاری تاکید می‌کند و مهاجرت را به عنوان جستجوی فضایی کار مطرح می‌کند (طاهرخانی، ۱۳۸۰: ۶۹). از نظر جغرافیایی، مهاجرت نیروی انسانی به خارج از مناطق روستایی و به صورت حرفه‌ای، خارج از شغل‌های زراعی، یکی از اشکال

4 - Somerville and Sumpston

5- Lewis

6- Todaro

7- Lewis-Fei-Ranis

8- Stiglitz

فراگیر تحولات کشاورزی و رشد اقتصادی است (تیلور و مارتین<sup>۹</sup>، ۲۰۰۱:۲). اریک آرویس<sup>۱۰</sup> به همراه نظریه‌پردازان اقتصادی، بیکاری را مهمترین عامل مهاجرت می‌داند (تیلور و مارتین ۲۰۰۱: ۷۸)، بیشتر نگرش‌های تئوریک عمومی که با مهاجرت، نیروی کار و یا برهم کنش بین این دو سرو کار دارند، بر جنبه‌های ساختاری، رفتاری و نئوکلاسیک تاکید می‌کنند. در نگرش نئوکلاسیک، مهاجرت پیامد تفاوت‌های جغرافیایی در عرضه و تقاضای نیروی کار است و نگرش ساختاری بر چگونه تقسیم‌شدن بازار کار به دو بخش رسمی و غیر رسمی تاکید دارد، درحالی که نگرش رفتاری همانند نگرش نئوکلاسیک ویژگی‌های مهاجران و کارگران را مورد آزمون و بررسی قرار می‌دهد و بر فاکتورهای روانشناختی و مفهومی<sup>۱۱</sup> تاکید می‌کند (فان<sup>۱۲</sup>، ۲۰۰۲: ۱۵۴). از سوی دیگر نظریه نئوکلاسیک در سطح خرد، مهاجران را به عنوان بازیگرانی عقلانی، که تصمیم می‌گیرند بر اساس محاسبه هزینه- فایده جابه‌جا شوند، در نظر می‌گیرد (هاس<sup>۱۳</sup>، ۲۰۰۸: ۵). تئوری سرمایه انسانی نیز، عقیده دارد که مهاجرت به عنوان سرمایه‌گذاری، در سرمایه انسانی است، و تصمیم‌گیری به منظور مهاجرت، بر اساس وزن هزینه‌های بلاواسطه انجام شده و انتظار منافع آینده، انجام می‌شود (بیل و میتشل<sup>۱۴</sup>، ۲۰۰۶: ۳). در مقابل تئوری‌های مهاجرت اقتصادی، که مهاجرت را در نتیجه تصمیم‌گیری عقلانی می‌داند، رویکرد ساختارگرایی، مهاجرت را به عنوان نتیجه نیروهای نهادی، اجتماعی و اقتصادی و سیاسی می‌داند. تصمیم‌گیری فردی بوسیله موانع و مشوق‌هایی که توسط جوامع خلق می‌شود، تغییر می‌کند. مرکز توجه تئوری ساختارگرایی، فرایندهای تاریخی هستند که نیروهای اجتماعی-اقتصادی، سیاسی و نهادی را مشخص می‌کنند که در نتیجه آن جهان به دو دسته فقیر و غنی تقسیم شده است. در این تقسیم علل مهاجرت، به عنوان یک فرایند کلان اجتماعی، به جای فرایند فردی در نظر گرفته می‌شود (لیبینگ<sup>۱۵</sup>، ۲۰۰۳: ۱۷-۱۶). وارثی و سروی (۱۳۸۴) با انجام تحقیقی روی استان‌های ایران نشان دادند که بین توسعه‌یافتگی، شهرنشینی و مهاجرپذیری بودن استان‌ها رابطه مستقیم وجود دارد به طوری که مهاجرپذیر بودن مناطق به توسعه یافتگی آنها، به دلیل سرمایه‌گذاری در آن مناطق است. لذا سرمایه‌گذاری نامتعادل، موجب توسعه نامتعادل، و توسعه نامتعادل، موجب حرکات شدید مهاجرتی شده است (وارثی و سروی، ۱۳۸۴: ۱۹۴-۱۹۵). استان سیستان و بلوچستان نیز بسان یک منطقه، از روندهای مهاجرت برکنار نیست. این نوشتار پیرامون جستار بازار کار و مهاجرت می‌چرخد، به گونه‌ای که مهاجرت را پیامد تفاوت‌های جغرافیایی در عرضه و تقاضای نیروی کار می‌داند و در راستای پرداختن به رابطه مهاجرت و

9 - Taylor and Martin,

10- Eric R.weiss

11- contextual

12- Fan

13- Haas

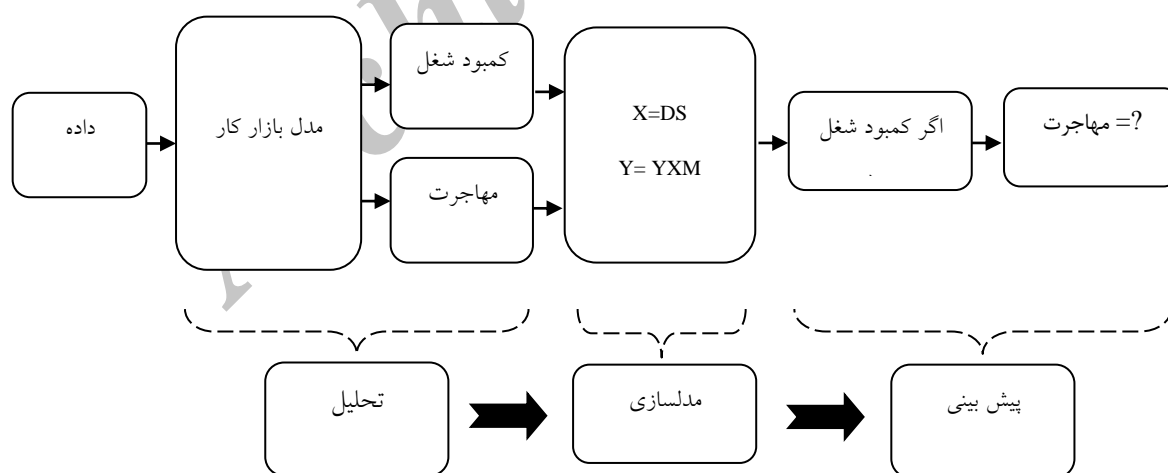
14- Bill and mitchell

15 - Liebig

اشتغال (مسأله پژوهش)، و به دنبال دست‌یابی به تحلیل، پیش‌بینی و مدل‌سازی رابطه مهاجرت و اشتغال (اهداف پژوهش) می‌باشد.

### مواد و روش‌ها

در این پژوهش، از روش تحقیق توصیفی - تحلیلی استفاده شده است که در فرایند توصیف، تحلیل و پیش‌بینی‌هایی که انجام گرفته است، از مدل‌های کمی از جمله مدل بازار کار، همبستگی و رگرسیون استفاده شده است. آمارهای مربوط به ۵ دهه (۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵) مانند تعداد شاغلین، تعداد بیکاران و... به عنوان ورودی‌های مدل بازار کار، و خروجی‌های این مدل، به عنوان داده‌های ورودی، در رگرسیون و همبستگی به کار گرفته شدند. ابتدا داده‌های مورد نیاز برای محاسبات بازار کار وارد مدل بازار کار شد. سپس بازار کار استان به تفکیک مناطق شهری و روستایی مورد تحلیل قرار گرفت. در تحلیل وضعیت بازار کار، بر تحلیل رابطه‌ی کمبود شغل (DS) و مهاجرت به بیرون (YXM) مناطق تاکید شد و به طور مفصل همبستگی بین آنها مورد بررسی قرار گرفت. سپس در نرم افزار SPSS، DS به عنوان متغیر مستقل و YXM به عنوان متغیر وابسته در تحلیل رگرسیون وارد شدند و مدل‌سازی انجام گرفت. در مرحله پیش‌بینی، این سوال مطرح شد که اگر هیچ کمبود شغل و هیچ مازاد شغلی در مناطق نباشد ( $DS=0$ )، چه تغییراتی را در مهاجرت (YXM) شاهد خواهیم بود؟ (شکل ۱).



شکل ۱: مدل مفهومی تحقیق

جدول ۱- ترکیب محاسبات بازار کار

مؤلفه	توضیح	مؤلفه <sup>۱۶</sup>	توضیح
L	اندازه نیروی کار	$DL = L - L_{-1} + YXM$	تغییرات نیروی کار
W	جمعیت در سن کار	$DN = (W - W_{-1})Y_{-1} + XMY_{-1}$	افزایش طبیعی نیروی کار
E	اشتغال کل	$AD = W(Y - Y_{-1}) + XM(Y - Y_{-1})$	تغییرات نرخ مشارکت
U	بیکاری کل	$DE = E - E_{-1}$	تغییرات اشتغال
$Y=L/W$	نرخ مشارکت	$DS = DU - YXM + DC$	تغییرات کمبود شغل
$X = W/P$	نسبت جمعیت در سن کار	$DU = U - U_{-1}$	تغییرات بیکاری
YXM	مهاجرت خالص به بیرون	PC	تغییرات رفت و آمد خالص به بیرون

منبع: (اجزاء شکوهی، ۱۳۸۱: ۱۲۸)

## مدل بازار کار

مدل بازار کار یک ابزار کمی است که در یک دوره‌ی زمانی خاص چگونگی عرضه و تقاضای نیروی کار را نشان می‌دهد (اجزاء شکوهی، ۱۳۸۴: ۷۹۹). با استفاده از این روش ما می‌توانیم اثرات تغییر در اشتغال بر روی مهاجرت، بیکاری و رفت و آمد را نشان دهیم (تیلور و رودز<sup>۱۷</sup>، ۱۹۸۹: ۱۴۹-۱۲۴). جدول ۱، مؤلفه‌های مدل بازار کار به همراه توضیحات آنها را نشان می‌دهد<sup>۱۸</sup>.

## تحلیل بازار کار مناطق شهری

با نگاهی به جدول ۲، در خواهیم یافت که در دهه دوم، سوم و چهارم، افزایش شغل از ویژگی بازار کار مناطق شهری استان سیستان و بلوچستان بوده است در حالی که همین مناطق شهری در دهه‌ی اول و دهه‌ی پنجم با کمبود شغل DS روبه‌رو شده‌اند. از نظر کمبود شغل، روند زمانی نشان می‌دهد که مناطق شهری یک گذار رفت و برگشتی را تجربه کرده‌اند، این مناطق بعد از تجربه کمبود شغل در دهه‌ی اول (۱۳۳۵-۱۳۴۵)، دوباره بعد از گذشت سه دهه که افزایش شغل داشته‌اند (دهه دوم، سوم و چهارم)، دوباره در دهه‌ی پنجم با کمبود شغل رو به رو شده‌اند. اگر نگاهی به ستون مهاجرت خالص به بیرون (YXM) در جدول ۲ بیفکنیم، در خواهیم یافت که روند

۱۶- مؤلفه‌هایی که اندیس ۱- دارند مربوط به ابتدای دهه، و مؤلفه‌هایی که اندیس ندارند مربوط به انتهای دهه می‌باشند.

17 - Tyler and Rhodes

۱۸- در این نوشتار، مؤلفه‌ی DC به دلیل نبود آمار ادواری رفت و آمد (Commuting) در سرشماری‌های ایران، در محاسبات بازار کار محاسبه نشده است.

مهاجرت خالص به بیرون در مناطق شهری، به درستی از روند تغییرات کمبود شغل در این مناطق پیروی می‌کند. بگونه‌ای که در دهه‌ی اول (۱۳۳۵-۱۳۴۵) و پنجم (۱۳۷۵-۱۳۸۵) که کمبود شغل در مناطق شهری وجود داشته است، مناطق شهری با پدیده‌ی مهاجرفرستی روبه‌رو شده‌اند. در سه دهه‌ی دیگر، (۱۳۵۵-۱۳۶۵، ۱۳۴۵-۱۳۵۵، ۱۳۶۵-۱۳۷۵) که کمبود شغل منفی بوده است یعنی افزایش شغل وجود داشته، مهاجرت خالص به بیرون، منفی شده است یعنی پدیده‌ی مهاجرپذیری رخ داده است. آنچه شایان توجه است این است که طی هر پنج دهه یعنی از سال ۱۳۳۵ تا سال ۱۳۸۵، تعداد اشتغال ایجاد شده (DE) مدام افزایش داشته است بگونه‌ای که در هیچ دوره‌ای این مولفه، منفی نبوده است. باید گفت که با وجود رخ دادن افزایش اشتغال در پنج دهه، ریشه‌ی کمبود شغل در دهه‌ی اول (۱۳۳۵-۱۳۴۵) و پنجم (۱۳۷۵-۱۳۸۵) را نباید در کاهش ایجاد فرصت‌های شغلی جدید دانست زیرا در همه‌ی دهه‌ها از جمله در همین دو دهه‌ی اول و پنجم نیز تعداد ایجاد فرصت‌های شغلی (DE) با افزایش روبه‌رو بوده است. این پرسش پیش خواهد آمد که اگر اینگونه است پس چرا در این دو دهه کمبود شغل رخ داده است؟ پاسخ این است که گرچه تعداد فرصت‌های شغلی ایجاد شده افزایش داشته (DE مثبت بوده است)، آنچه کمبود شغل را به وجود آورده است این است که افزایش فرصت‌های شغلی جدید (DE) کمتر از افزایش نیروی کار (DL) بوده است. این موضوع باعث شده که در این دو دهه کمبود شغل رخ دهد یعنی DS مثبت شود. بنابراین آنچه در از بین بردن کمبود اشتغال در یک منطقه اهمیت دارد، افزایش فرصت‌های شغلی نیست بلکه هماهنگ کردن میزان رشد فرصت‌های شغلی (DE) با میزان رشد نیروی کار (DL) می‌باشد، در صورتی که رشد فرصت‌های شغلی جدید از رشد تغییرات نیروی کار کمتر باشد، باز هم کمبود شغل رخ خواهد داد.

نرخ مشارکت در اشتغال (DA)، در دهه اول (با وجود کمبود شغل) و دهه‌های دوم، سوم و چهارم (با وجود مازاد شغل)، منفی بوده است. در دهه‌ی سوم (۱۳۶۵-۱۳۵۵) نرخ مشارکت (DA) کاهش شدیدی پیدا کرده است بگونه‌ای که می‌توان علت این کاهش شدید را، در کاهش شدید اندازه‌ی نیروی کار (DL) در این دهه دانست. آنچه شایان توجه است این است که تغییرات مشارکت در اشتغال در دهه‌ی اول (۱۳۷۵-۱۳۸۵) با وجود بالا بودن کمبود شغل، مثبت بوده است. یعنی با وجود کمبود شدید شغل، جویندگان کار باز هم راضی به مشارکت هستند. این، نشان می‌دهد که در دهه‌ی پنجم به دلیل وخیم شدن شرایط اشتغال، جویندگان کار توقع شان را نسبت به شغلی که می‌جویند، کاهش داده‌اند و به مشارکت در اشتغال تن داده‌اند به طوری که جویندگان کار قبل از اینکه به خواستن یا نخواستن شغل بیندیشند، به داشتن یا نداشتن آن می‌اندیشند چرا که هر چه کمبود شغل افزایش بیشتری یابد، جویندگان کار، درانتخاب شغل با محدودیت بیشتری رو به رو می‌شوند. شاید علت دیگری که بتوان در افزایش و یا کاهش نرخ مشارکت جستجو کرد، افزایش یا کاهش مشارکت زنان در بازار کار می‌باشد که این پدیده خود می‌تواند

ریشه در هنجارهای فرهنگی و وضعیت اقتصادی جامعه داشته باشد که در این نوشتار دستیافت پرداختن به این جستار نیست. در مناطق شهری تغییرات بیکاری (DU) طی پنج دهه به جزء دهه‌ی چهارم، مثبت بوده است. از دهه‌ی اول تا دهه‌ی سوم مدام بر تغییرات بیکاری افزوده شده و با منفی شدن تغییرات بیکاری در دهه‌ی چهارم (۱۳۷۵-۱۳۶۵)، دوباره در دهه‌ی پنجم (۱۳۸۵-۱۳۷۵)، تغییرات بیکاری افزایش پیدا کرده است.

جدول ۲- وضعیت شاخص های بازار کار مناطق شهری

دهه (شهری)		DL	DN	DA	DE	DS	YXM	DU
اول	۱۳۳۵-۱۳۴۵	۱۰۳۶۳	۱۲۲۰۰۰	-۱۸۳۶۲	۴۷۴۹	۹۸۸۸۸	۹۸۶۱۴	۲۷۴
دوم	۱۳۴۵-۱۳۵۵	۵۲۲۷	۵۹۰۴	-۶۷۹	۱۹۹۳۹	-۱۴۷۱۳	-۱۵۷۴۷	۱۰۳۶
سوم	۱۳۵۵-۱۳۶۵	-۲۴۵۵۶	۲۰۶۵۵	-۴۵۲۲۰	۴۸۵۴۰	-۷۳۱۰۰	-۵۰۷۹۲	۱۳۶۹۵
چهارم	۱۳۶۵-۱۳۷۵	۱۲۲۵۴	۲۹۶۷۱	-۱۷۲۰۲	۵۶۷۰۴	-۴۴۳۴۳	-۳۸۱۲۲	-۶۴۷۱
پنجم	۱۳۷۵-۱۳۸۵	۱۶۸۳۹۶	۱۴۰۲۰۰	۲۸۲۴۶	۱۰۱۵۲۷	۶۶۸۶۹	۱۲۹۲۴	۵۳۹۴۵

### تحلیل بازار کار مناطق روستایی

با محاسبه مولفه های مدل بازارکار در مناطق روستایی نیز آشکار گردید که (DS) در همه‌ی دهه ها به جز دهه‌ی چهارم (۱۳۶۵-۱۳۷۵) مثبت بوده است (جدول ۳). یعنی در همه‌ی دهه ها به جز دهه‌ی چهارم، مناطق روستایی از کمبود شغل رنج می برده اند. بیشترین کمبود شغل در مناطق روستایی را در دهه‌ی پنجم (۱۳۸۵-۱۳۷۵) شاهد هستیم که ریشه‌ی آن را باید در کمتر بودن میزان افزایش فرصت های شغلی (DE) نسبت به میزان افزایش نیروی کار (DL) دانست. علت مزاد شغل در دهه‌ی چهارم این است که در این دهه، میزان افزایش اشتغال (DE) بیشتر از میزان افزایش نیروی کار (DL) بوده است. در هر دهه ای که کمبود شغل در مناطق روستایی رخ داده است، به دنبال آن نیز مهاجرت به بیرون نیز رخ داده است. در هر دهه‌ای که (DS) مثبت شده است، مهاجرت خالص به بیرون (YXM) نیز مثبت شده است. تنها در دهه‌ی دوم (۱۳۵۵-۱۳۴۵) به دلیل ناچیز بودن کمبود شغل (حدود ۸۰۰)، مناطق روستایی هنوز هم مهاجرپذیر (حدود ۳۰۰) بوده اند. ناگفته نماند که ریشه‌ی افزایش زیاد مهاجرت خالص به بیرون (YXM) در دهه‌ی پنجم را (۱۳۸۵-۱۳۷۵) باید در افزایش زیاد کمبود شغل در این دهه دانست که افزایش زیاد کمبود شغل نیز ریشه در دو موضوع دارد: یکی کمتر بودن میزان افزایش فرصت های شغلی (DE) نسبت به میزان افزایش نیروی کار (DL) در همین دهه، و دومین علت آن را باید در گذشته (دهه سوم) جستجو کرد یعنی بالا بودن تعداد نیروی کار در دهه‌ی پنجم را باید در زاد و ولد بالا در دهه‌ی سوم جستجو کرد. بنابراین می توان گفت

که متولدین دهه‌ی سوم، پس از گذشت بیست سال، در دهه‌ی پنجم به گروه جویندگان کار پیوسته و باعث افزایش (DL) شده‌اند.

با نگاهی به سه ستون (DE)، (DL) و (DS) درمی‌یابیم که علت کمبود شغل در دو دهه‌ی اول (۱۳۳۵-۱۳۴۵) و سوم (۱۳۵۵-۱۳۶۵) با علت کمبود شغل در دو دهه‌ی دوم (۱۳۴۵-۱۳۵۵) و پنجم (۱۳۷۵-۱۳۸۵) متفاوت است. علت کمبود شغل در دهه‌ی اول و سوم، علاوه بر این که به افزایش نیروی کار (مثبت بودن DL) برمی‌گردد، به طور همزمان ریشه در کاهش نیروی کار (منفی بودن DL) نیز دارد. از یکسو نیروی کار افزایش یافته و از دیگر سو نیز فرصت‌های شغلی کاهش یافته‌اند. در مقابل، علت کمبود شغل در دهه‌ی دوم و پنجم، ریشه در کاهش فرصت‌های شغلی ندارد، زیرا در این دو دهه مقدار DE مثبت است یعنی فرصت‌های شغلی جدید بر خلاف دهه‌های اول و سوم، کاهش که نیافته، افزایش هم یافته است. اما در دهه‌ی دوم و پنجم بر وفق دهه‌ی اول و سوم، افزایش نیروی کار رخ داده است، بنابراین، ریشه‌ی کمبود شغل در دهه‌ی دوم و پنجم عبارت است از بیشتر بودن میزان افزایش نیروی کار (DL) نسبت به افزایش ایجاد فرصت‌های شغلی جدید (DE). تغییرات بیکاری (DU) در همه‌ی دهه‌ها مثبت بوده که نشان از افزایش بیکاران انتهای دهه، نسبت به ابتدای دهه می‌باشد. یافته‌ها نشان می‌دهد که با وجود کمبود شغلی که در دهه‌ی پنجم در مناطق روستایی وجود داشته، باز هم شاهد بالا بودن مقدار نرخ مشارکت در اشتغال (DA) هستیم. در راستای تحلیل این یافته می‌توان گفت: از آنجایی که شغل یکی از ضروریات اصلی زندگی افراد می‌باشد، اگر در منطقه‌ای کمبود شغل وجود داشته باشد، باز هم نمی‌توان گفت که هم‌دوش افزایش کمبود اشتغال (DS)، کمبود نرخ مشارکت در اشتغال (DA) رخ خواهد داد زیرا به دلیل ضروری بودن شغل در زندگی، اگر هیچ فرصت شغلی هم وجود نداشته باشد، باز هم آنهایی که به شغلی دست نیافته‌اند، همچنان جویای شغل برای گذران زندگی خویش هستند و همچنان در گروه مشارکت‌کنندگان در اشتغال، باقی خواهند ماند. خلاصه، در دهه‌ی پنجم در مناطق روستایی، نبود فرصت شغلی، نرخ مشارکت در اشتغال را کاهش نداده است.

جدول ۳- وضعیت شاخصهای بازار کار مناطق روستایی

دهه (روستایی)		DL	DN	DA	DE	DS	YXM	DU
اول	۱۳۳۵-۱۳۴۵	۱۸۲۸۰	۲۹۸۹۸	-۱۰۴۶۳	-۲۱۸۵۹	۴۰۱۳۹	۳۵۰۸۱	۵۰۶۷
دوم	۱۳۴۵-۱۳۵۵	۳۰۳۲۲	۱۱۲۲۱۸	-۸۱۹۳۴	۲۹۵۰۹	۸۱۳	-۲۹۴	۱۱۰۷
سوم	۱۳۵۵-۱۳۶۵	۱۶۰۳۸	-۲۴۸۴۱	۱۶۰۳۸	-۵۸۵۲	۲۱۹۰۲	۴۹۱۵	۱۶۹۹۲
چهارم	۱۳۶۵-۱۳۷۵	۲۰۹۵۹	۲۷۱۰۹	-۶۰۷۲	۴۱۴۶۱	-۲۰۴۲۳	-۱۱۸۲۳	-۸۶۰۰
پنجم	۱۳۷۵-۱۳۸۵	۱۸۱۹۰۳	۱۴۸۲۰۲	۳۳۷۹۵	۱۶۴۶۹	۱۶۵۴۳۴	۶۴۳۶۳	۱۰۱۰۷۱



## تحلیل و همسنجی منطقه ای کمبود اشتغال (DS) به تفکیک مناطق شهری و روستایی

تحلیل کمبود شغل در سه سطح شهری، روستایی و در سطح استانی (مجموع مقادیر روستایی و شهری) انجام گرفته است. DS مناطق شهری و روستایی از محاسبات بازار کار به دست آمده و از مجموع DS مناطق شهری و روستایی، DS کل استان (مناطق شهری و روستایی) حاصل گردیده است. برای آسانتر شدن کار تحلیل، به جای توجه به مقدار عددی DS، به مثبت (کمبود شغل) یا منفی (مازاد شغل) بودن آن توجه شده است (جدول ۴).

جدول ۴- تحلیل منطقه‌ای کمبود شغل (DS) در مناطق شهری و روستایی

دهه		DS			توضیح
		شهری	روستایی	روستایی و شهری	
اول	۱۳۳۵-۱۳۴۵	□	□	□	هم در مناطق شهری و هم در مناطق روستایی و به تبع آن در کل استان کمبود شغل وجود داشته است.
دوم	۱۳۴۵-۱۳۵۵	■	□	■	کلیه ی مازاد شغلی که در استان وجود دارد مربوط به نقاط شهری استان است. علی رغم مازاد شغل در استان، مناطق روستایی با کمبود اشتغال مواجه‌اند.
سوم	۱۳۵۵-۱۳۶۵	■	□	■	کلیه ی مازاد شغلی که در استان وجود دارد مربوط به نقاط شهری استان است. علی رغم مازاد شغل در استان، مناطق روستایی با کمبود اشتغال مواجه‌اند.
چهارم	۱۳۶۵-۱۳۷۵	■	■	■	هم در مناطق شهری و هم در مناطق روستایی و به تبع آن در کل استان مازاد شغل وجود داشته است.
پنجم	۱۳۷۵-۱۳۸۵	□	□	□	هم در مناطق شهری و هم در مناطق روستایی و به تبع آن در کل استان کمبود شغل وجود داشته است.

جدول ۴ نشان می‌دهد که دهه اول و پنجم از نظر کمبود شغل، وضعیتی مشابه داشته‌اند. زیرا در هر دو دهه اول و پنجم نه تنها کمبود شغل در کل استان وجود داشته بلکه این کمبود شغل در سطوح مناطق شهری و روستایی رخ داده است. به بیان دیگر وضعیت کمبود شغل دهه ی اول، در دهه ی پنجم دوباره تکرار شده است. وضعیت دهه ی دوم و سوم نیز مشابه یکدیگر است. زیرا در این دو دهه کلیه ی مازاد شغلی که در استان وجود داشته است مربوط به نقاط شهری استان بوده است. علی رغم مازاد شغل در استان، مناطق روستایی با کمبود اشتغال مواجه بوده‌اند. بهترین وضعیت بازار کار در دهه چهارم رخ داده زیرا هم در مناطق شهری و هم در مناطق روستایی مازاد اشتغال وجود داشته است. بنابراین در دهه ی چهارم بر خلاف دهه ی اول و پنجم، جمعیت به استان سیستان و بلوچستان جذب شده است.

به دلیل آنکه کمبود شغل (DS) از یکسو نتیجه تقاضای عرضه ی نیروی کار (DL) و تقاضای نیروی کار (DE) می‌باشد و از سوی دیگر، بهبود و یا وخیم بودن شرایط بازار کار به کمبود یا مازاد شغل که همان DS می‌باشد، بستگی

دارد. لذا همسنجی DS می‌تواند به عنوان شاخصی مناسب جهت همسنجی بازار کار در مناطق شهری و روستایی به کار گرفته شود.

جدول ۵- همسنجی کمبود شغل (DS) در مناطق شهری و روستایی

همسنجی (DS*100/W)	مناطق روستایی			مناطق شهری			دهه
	DS*100/W	W	DS	DS*100/W	W	DS	
□	۲۱	۱۹۳۲۲۹	۴۰۱۳۹	۲۷۵	۳۵۹۵۱	۹۸۸۸۸	۱۳۳۵-۱۳۴۵
■	۰	۴۳۵۷۳۱	۸۱۳	-۱۷	۸۴۴۴۲	-۱۴۷۱۳	۱۳۴۵-۱۳۵۵
■	۷	۳۳۳۳۹۹	۲۱۹۰۲	-۳۳	۲۲۰۷۸۰	-۷۳۱۰۰	۱۳۵۵-۱۳۶۵
□	-۴۷	۴۳۳۲۵۶	-۲۰۴۲۲۳	-۱۱	۳۸۳۸۴۰	-۴۴۳۴۳	۱۳۶۵-۱۳۷۵
■	۲۴	۷۱۳۱۳۱	۱۶۵۴۳۴	۹	۷۱۳۱۳۱	۶۶۸۶۹	۱۳۷۵-۱۳۸۵

مزیت جدول ۵ این است که کمبود شغل در مناطق شهری و روستایی را نسبت به جمعیت در سن کار انتهایی هر دهه، می‌سنجد. در جدول ۵، برای هر دهه، مقدار DS در مناطق شهری و روستایی، نسبت به جمعیت در سن کار انتهایی همان دهه (W) سنجیده شده و به درصد بیان گردیده است. برای نمونه، در دهه ی ۱۳۳۵-۱۳۴۵ در مناطق شهری تعداد کمبود شغل (DS) نسبت به جمعیت در سن کار انتهایی دهه (W)، برابر ۲۷۵ بوده است در صورتی که در همین دهه، این تعداد در مناطق روستایی برابر ۲۱ نفر بوده است. از آنجایی که هر چه کمبود شغل کمتر باشد، بازار کار وضعیت بهتری را نشان می‌دهد، لذا در این دهه، وضعیت بازار کار مناطق روستایی نسبت به مناطق شهری بهتر بوده است. جدول ۵ نشانگر آن است که در دو دهه ی ۱۳۳۵-۱۳۴۵ و ۱۳۶۵-۱۳۷۵، وضعیت بازار کار مناطق روستایی نسبت به مناطق شهری بهتر بوده است. در سه دهه دیگر، وضعیت بازار کار مناطق شهری نسبت به مناطق روستایی بهتر بوده است.

#### تحلیل و همسنجی منطقه ای مهاجرت خالص به بیرون (YXM) به تفکیک مناطق شهری و روستایی

تحلیل YXM در سه سطح شهری، روستایی و استانی انجام گرفته است. YXM مناطق شهری و روستایی از محاسبات بازار کار به دست آمد. از مجموع YXM مناطق شهری و روستایی، YXM کل استان (مناطق شهری و روستایی) به دست آمد. برای آسان تر شدن کار تحلیل، همانند تحلیل منطقه‌ای DS به جای توجه به مقدار YXM، به مثبت بودن (مهاجرت به بیرون) یا منفی بودن (مهاجرت به درون) آن توجه شده است (جدول ۶).

جدول ۶- تحلیل منطقه‌ای مهاجرت خالص به بیرون (YXM) در مناطق شهری و روستایی

دهه		YXM			توضیح
		شهری	روستایی	شهری و روستایی	
اول	۱۳۳۵-۱۳۴۵	○	○	○	هم مناطق شهری و هم مناطق روستایی و به تبع آن کل استان مهاجرفرست بوده است.
دوم	۱۳۴۵-۱۳۵۵	●	●	●	هم مناطق شهری و هم مناطق روستایی و به تبع آن کل استان مهاجرپذیر بوده است.
سوم	۱۳۵۵-۱۳۶۵	●	○	●	به دلیل مهاجرفرست بودن مناطق روستایی، مهاجرپذیری کل استان تنها ناشی از مهاجرپذیری مناطق شهری استان بوده است. هر مهاجری که به درون استان وارد شده، به مناطق شهری استان مهاجرت کرده است. هر مهاجری که از مناطق روستایی استان مهاجرت کرده است، در مناطق شهری استان جذب شده است. هیچ مهاجری از مناطق شهری و روستایی استان، به خارج از استان مهاجرت نکرده اند.
چهارم	۱۳۶۵-۱۳۷۵	●	●	●	هم مناطق شهری و هم مناطق روستایی و به تبع آن کل استان مهاجرپذیر بوده است.
پنجم	۱۳۷۵-۱۳۸۵	○	○	○	هم مناطق شهری و هم مناطق روستایی و به تبع آن کل استان مهاجرفرست بوده است.

جدول ۶ تنها مهاجرپذیربودن و مهاجرفرست بودن مناطق را بدون توجه به مقدار آن، مورد توجه داده است و نشان می دهد که روند مهاجرت در دهه اول همانند روند مهاجرت در دهه پنجم بوده است زیرا در این دو دهه، هم مناطق شهری و هم مناطق روستایی و به تبع آن کل استان مهاجرفرست بوده است. روند مهاجرت در دهه دوم همانند روند مهاجرت در دهه چهارم بوده، زیرا در این دو دهه، هم مناطق شهری و هم مناطق روستایی و به تبع آن کل استان مهاجرپذیر بوده‌اند. روند مهاجرت در دهه سوم با دیگر دهه‌ها تفاوت دارد. برخلاف دهه ی دوم و چهارم که مناطق شهری و روستایی در مهاجرپذیربودن استان سهمیم بوده‌اند، در دهه ی سوم، تنها مناطق شهری در این امر نقش داشته‌اند. در این دهه تنها مناطق روستایی در مهاجرپذیر بودن استان سهمیم نبوده‌اند بلکه خود نیز مهاجرفرست بوده‌اند. بنابراین همه‌ی مهاجرانی که در دهه‌ی سوم به درون استان وارد شده‌اند، به مناطق شهری مهاجرت کردند. در دهه‌ی سوم، از طرفی کل استان سیستان و بلوچستان مهاجرپذیر بوده و از طرف دیگر مناطق روستایی استان مهاجرفرست بوده است. بنابراین می توان نتیجه گرفت که همه‌ی افرادی که از مناطق روستایی استان خارج شده‌اند، به مناطق شهری مهاجرت کرده‌اند و هیچ کدام به خارج از استان مهاجرت نکرده‌اند.

از انجایی که مهاجرت خالص به بیرون (YXM)، در ارتباط با کمبود شغل می باشد لذا در جدول ۷ تلاش شده است تا وضعیت مناطق شهری و روستایی از نظر مهاجرت خالص به بیرون مورد همسنجی قرار گیرند تا سازوکار بازار کار آنها بهتر شناخته شود.

جدول ۷- همسنجی مهاجرت خالص به بیرون (YXM) در مناطق شهری و روستایی

همسنجی (YXM *100/W <sub>-1</sub> )	مناطق روستایی			مناطق شهری			دهه
	(YXM *100/W <sub>-1</sub> )	W <sub>-1</sub>	YXM	(YXM *100/W <sub>-1</sub> )	W <sub>-1</sub>	YXM	
□	17	۲۰۷۳۹۴	۳۵۰۸۱	۴۵۸	۲۱۵۱۷	۹۸۶۱۴	۱۳۳۵-۱۳۴۵
■	0	۱۹۳۲۲۹	-۲۹۴	-۴۴	۳۵۹۵۱	-۱۵۷۴۷	۱۳۴۵-۱۳۵۵
■	6	۴۳۵۷۳۱	۴۹۱۵	-۱۰	۸۴۴۴۲	-۵۰۷۹۲	۱۳۵۵-۱۳۶۵
■	-5	۳۳۳۳۹۹	-۱۱۸۲۳	-۷	۲۲۰۷۸۰	-۳۸۱۲۲	۱۳۶۵-۱۳۷۵
■	۱۷	۴۳۳۲۵۶	۶۴۳۶۳	۱۰۵	۳۸۳۸۴۰	۱۲۹۲۴	۱۳۷۵-۱۳۸۵

در جدول ۷، تعداد مهاجرت خالص به بیرون (YXM) در مناطق شهری و روستایی، نسبت به جمعیت در سن کار ابتدای همان دهه  $W_{-1}$  سنجیده شده و به درصد بیان گردیده است. مزیت جدول ۷ این است که تعداد مهاجرت خالص به بیرون در مناطق شهری و روستایی را نسبت به جمعیت در سن کار ابتدای هر دهه، می سنجد. برای نمونه، در دهه ی ۱۳۳۵-۱۳۴۵ تعداد مهاجرت خالص به بیرون در مناطق شهری برابر ۴۵۸ نفر (نسبت به جمعیت در سن کار ابتدای همین دهه)، و در مناطق روستایی همین مولفه برابر ۱۷ نفر بوده است. لذا در این دهه، تعداد افرادی که از مناطق شهری، به بیرون مهاجرت کرده‌اند بیشتر از تعداد افرادی هستند که از مناطق روستایی به بیرون مهاجرت کرده اند. جدول ۷ گویای آن است که به جز در دهه ی ۱۳۳۵-۱۳۴۵، در چهار دهه ی دیگر، وضعیت مناطق شهری از نظر تعداد مهاجرت خالص به بیرون، نسبت به مناطق روستایی وضعیت بهتری داشته‌اند.

#### رابطه و همبستگی کمبود اشتغال (DS) و مهاجرت خالص به بیرون (YXM)

پس از آنکه وضعیت مولفه های بازار کار مناطق شهری و روستایی استان سیستان و بلوچستان، به تفصیل مورد تحلیل قرار گرفت، و پس از آنکه وضعیت دو مولفه کمبود شغل (DS) و مهاجرت خالص به بیرون (YXM) در مناطق شهری و روستایی به تفصیل و جداگانه مورد بررسی و همسنجی قرار گرفت، در اینجا به همبستگی و

رابطه ی بین کمبود شغل و مهاجرت خالص به بیرون می پردازیم، زیرا در تحلیل نقش اشتغال در مهاجرت منطقه ای، آنچه مهم است ضریب همبستگی و وجود رابطه ی معنا دار بین DS و YXM می باشد (جدول ۸).

جدول ۸- همبستگی DS و YXM

	ضریب همبستگی DS و YXM	Sig. (2-tailed)	$\alpha$
مناطق شهری	۰/۹۳	۰/۰۲۳	۰/۰۵
مناطق روستایی	۰/۹۵	۰/۰۱۳	۰/۰۵
مناطق شهری و روستایی	۰/۸۸	۰/۰۴۹	۰/۰۵

جدول ۸ نشان می دهد که در هر سه سطح منطقه ای، (مناطق شهری، مناطق روستایی و در سطح کل استان (مجموع مناطق شهری و روستایی)) بین DS و YXM رابطه ی مستقیم و شدیدی وجود دارد. در سطح اطمینان ۹۵ درصد، ضریب همبستگی برای مناطق شهری و روستایی به ترتیب برابر ۰/۹۳ و ۰/۹۵ و برای کل استان (مناطق شهری و روستایی) برابر ۰/۸۸ می باشد. ضریب همبستگی حاکی از آن است که هرچه کمبود شغل افزایش یافته، مهاجرت به بیرون نیز افزایش یافته است. هر چه مازاد شغل افزایش یافته، مهاجرت به درون نیز افزایش یافته است. این نکته به خوبی گویای نقش اشتغال در مهاجرت های منطقه ای (شهری و روستایی) است. از آنجایی که تغییرات اشتغال (DE) می تواند رابطه ی بین تغییرات نیروی کار (DL) و تغییرات کمبود شغل (DS) را دچار تغییر کند، لذا باید دید که در مناطق شهری و روستایی استان سیستان و بلوچستان، آیا ایجاد اشتغال به اندازه ای بوده است که بتواند در رابطه ی بین تغییرات نیروی کار (DL) و تغییرات کمبود شغل، نقش ایفا کند یا خیر؟ پاسخ این پرسش، در تحلیل های جدول ۱۰ آورده شده است. جدول ۱۰ نقش DE در رابطه ی DL و DS را به خوبی نشان می دهد.

جدول ۱۰- تحلیل نقش DE در رابطه ی DL و DS

منطقه	بدون دخالت DE	با دخالت DE	سطح اطمینان
مناطق شهری	۰/۹۹	۰/۸۹	۹۵ درصد
مناطق روستایی	۰/۹۹	۰/۹۳	۹۵ درصد

تحلیل همبستگی جزئی<sup>۱۹</sup> نشان داد که برای مناطق شهری در سطح ۹۵ درصد اطمینان، همبستگی DL و DS بدون دخالت DE برابر ۰/۹۹، و با دخالت DE برابر ۰/۸۹ بوده است (جدول ۱۰). این همبستگی در مناطق روستایی به ترتیب برابر ۰/۹۹ و ۰/۹۳ بوده است. بنابراین هم در مناطق شهری و هم روستایی، DE نقش چندانی در رابطه‌ی DL و DS نداشته است. جدول ۱۰، گویای آن است که DE نقش چندانی در رابطه‌ی بین DL و DS ایفا نکرده است یعنی تغییرات اشتغال به اندازه‌ی آن نبوده است که بتواند نقش افزایش نیروی کار را بر کمبود شغل کاهش و یا از بین ببرد. هم در مناطق شهری و هم در مناطق روستایی استان، نقش تغییرات اشتغال در کاهش کمبود شغل ناچیز بوده است ولی در مناطق روستایی نسبت به مناطق شهری، این نقش کم‌رنگ‌تر بوده است.

#### مدلسازی رابطه بین کمبود اشتغال (DS) و مهاجرت خالص به بیرون (YXM)

مدلسازی یعنی ساختن الگویی بر پایه و مبنای داده‌هایی که از تجزیه و تحلیل سیستم مورد بررسی به دست آورده- ایم (روزنی و بیشون، ۱۳۶۹: ۴۴). بنابراین برای مدلسازی رابطه‌ی بین DS و YXM ابتدا محاسبات بازار کار برای پنج دهه به تفکیک مناطق شهری و روستایی انجام شد و سپس در تحلیل رگرسیون، YXM به عنوان متغیر مستقل و DS به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شد. مدل‌های به دست آمده از رابطه‌ی بین کمبود شغل و مهاجرت خالص به بیرون، نشان می‌دهد که کمبود شغل در مناطق شهری و روستایی به تنهایی بیش از ۹۰ درصد مهاجرت به بیرون را تبیین می‌کند (جدول ۱۱).

جدول ۱۱- مدلسازی نقش اشتغال در مهاجرت منطقه‌ی ای

مناطق	Y	X	R Square	sig	$\alpha$	معادله	ضریب ثابت	b 1	b 2
شهری	(YXM)	(DS)	۰/۹۱	۰/۰۹	۰/۱	درجه دوم	-۲۳۳۱۷/۰۸۰	۰/۶۱۲	۴/۷۳ E-۰۰۶
روستایی	(YXM)	(DS)	۰/۹۵	۰/۰۵	۰/۱	درجه دوم	۴۹۶۳۵۳	۰/۷۱۹	-۲/۰۰ E-۰۰۶

$$YXM = 0.612(DS) + 4.73E-006(DS)^2 + -23317.080$$

$$YXM = 0.719(DS) + -2.00E-006 (DS)^2 + 496.353$$

پیش بینی وضعیت مهاجرت به بیرون (YXM)، در صورت از بین رفتن کمبود اشتغال (DS) در مرحله پیش‌بینی، این سوال مطرح می‌شود که اگر کمبود شغل در مناطق شهری و روستایی استان از بین برود و هیچ مازاد شغلی هم در منطقه وجود نداشته باشد ( $DS=0$ )، روند مهاجرت در مناطق شهری و روستایی، چه تغییری

خواهد کرد؟ برای یافتن پاسخ این سوال، در مدل های به دست آمده به جای  $X$  یا همان  $DS$ ، عدد صفر قرار داده شد و  $YXM$  مورد نظر به دست آمد (جدول ۱۲).

جدول ۱۲- پیش بینی  $YXM$  در صورتی که کمبود شغل برابر صفر شود.

مناطق		$YXM$	وضعیت
شهری	If $DS = 0 \Rightarrow$	-۲۳۳۰۰	مهاجرپذیر
روستایی		۴۹۶	مهاجرفرست

جدول ۱۲ نشان می دهد که اگر با ایجاد فرصت های شغلی جدید، همگام با عرضه نیروی کار ( $DL$ )، تقاضای نیروی کار ( $DE$ ) را افزایش دهیم ( $DL=DE$ ) یا ( $DS=0$ )، خواهیم دید که مناطق شهری مهاجرپذیر و میزبان ۲۳۰۰۰ نفر خواهند بود. مهاجرپذیر بودن مناطق شهری در حالتی که نه کمبود شغل و نه مازاد شغل در این مناطق وجود دارد ( $DS=0$ ) نشانگر دو نکته است. نکته اول اینکه اگر کمبود شغل در مناطق شهری از بین برود، این مناطق مهاجرپذیر خواهند شد و نکته دوم آنکه اگر در مناطق شهری هیچ مازاد شغلی هم وجود نداشته باشد، این مناطق باز هم مهاجرپذیر خواهند بود. دیده می شود که با نبود مازاد شغل باز هم ۲۳۰۰۰ نفر به مناطق شهری مهاجرت خواهند کرد که انگیزه ی مهاجرت آنها به مسائلی غیر از مسئله ی اشتغال برمی گردد.

وضعیت مناطق روستایی متفاوت است. اگر در مناطق روستایی کمبود شغل از بین برود و مازاد شغلی هم وجود نداشته باشد، از مهاجرفرستی این مناطق بسیار کاسته می شود و به حدود ۵۰۰ نفر خواهد رسید که قابل چشم پوشی است. یافته ها نشان می دهد که شمار افراد که با انگیزه های غیر از انگیزه ی اشتغال به مناطق شهری مهاجرت می کنند تقریباً ۴۶ برابر شمار افرادی است که با انگیزه ای غیر از انگیزه ی اشتغال به خارج از روستاها مهاجرت می کنند.

### نتیجه گیری

در یک همسنجی که بین مناطق شهری و روستایی استان سیستان و بلوچستان به دست آمد مشخص گردید وضعیت بازار کار در مناطق روستایی نسبت به مناطق شهری وخیم تر است بگونه ای که مناطق روستایی از نظر کمبود شغل و مهاجرت خالص به بیرون، وضعیت نامناسب تری نسبت به مناطق شهری دارند (جدول ۵ و ۷). اگر بخواهیم یافته ی بنیادی این نوشتار را در یک جمله بیان کنیم، باید گفته که: مازاد اشتغال برابر است با کشش جمعیت به منطقه، و کمبود اشتغال برابر است با رانش جمعیت از منطقه. همچنین با توجه به اینکه توزیع ناعادلانه ی مازاد اشتغال بین مناطق شهری و روستایی، بسیار بهتر از توزیع عادلانه ی کمبود شغل بین مناطق شهری و روستایی یک

منطقه است، زیرا توزیع ناعادلانه‌ی مازاد شغل بین مناطق شهری و روستایی یک استان، موجب مهاجرت یا رفت و آمد افراد بین مناطق شهری و روستایی استان خواهد شد، در صورتی که توزیع عادلانه‌ی کمبود شغل تخلیه جمعیت استان را به دنبال خواهد داشت. لذا در مباحث منطقه‌ای، باید قبل از گفتن این جمله که «چگونه در منطقه توزیع شود؟» به بیان این جمله «چه چیزی در منطقه توزیع شود؟»، پرداخته شود. با نگاهی به نتایج تحقیق که پدیده‌ی مهاجرفرستی در استان سیستان و بلوچستان را زاده کمبود اشتغال می‌داند، لذا پیشنهاد می‌شود که موثرترین راه برای جلوگیری از مهاجرت به بیرون و همچنین جلوگیری از تخلیه‌ی جمعیت استان سیستان و بلوچستان، ایجاد اشتغال در منطقه می‌باشد. می‌توان با اولویت دادن به سرمایه‌گذاری در زمینه ایجاد فرصت‌های شغلی، از تخلیه جمعیتی استان جلوگیری کرد و با توزیع مناسب این سرمایه‌گذاری‌ها در بین مناطق شهری و روستایی، از شدت مهاجرت‌های روستا- شهری در درون استان، کاست. با تخصیص سرمایه‌های دولتی و تشویق سرمایه‌داران خصوصی از طریق سیاست‌های تشویقی و فراهم‌سازی زیرساخت‌های لازم جهت فعالیت آنها در بخش‌های اشتغال‌زا، می‌توان با ایجاد فرصت‌های شغلی، بر روند مهاجرت‌ها تاثیر گذاشت و پی آمدهای منفی ناشی از آنها را نیز کاهش داد.



## منابع

- اجزاء شکوهی، محمد (۱۳۸۱)، «نقش اشتغال در توسعه شهرهای جدید انگلستان»، *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، شماره ۶۷، صص ۱۳۷-۱۲۲.
- اجزاء شکوهی، محمد (۱۳۸۴) «مدلی برای توسعه شهرهای ایران بر اساس محاسبات بازار کار»، *مجموعه مقالات کنفرانس برنامه ریزی و مدیریت شهری، مشهد*، صص ۸۰۹-۷۹۴.
- پاتر، رابرت؛ ب - ایونز، سلی لوید (۱۳۸۴)، «شهر در جهان در حال توسعه»، (ترجمه کیومرث ایراندوست و دیگران)، تهران، انتشارات سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور.
- جان اینس، کلارک (۱۳۸۰)، «اصول و مبانی جغرافیای جمعیت»، (ترجمه دکتر مسعود مهدوی)، تهران، انتشارات قومس.
- رحیمی، حسین (۱۳۷۲) «تحلیل روابط شهر و روستا در ارتباط با برنامه ریزی ناحیه ای در بردسکن»، تهران، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
- روزنی، ج.د؛ بیشون، جان (۱۳۶۹)، «روشن تفکر سیستمی»، (ترجمه: امیر حسین جهانگللو)، تهران، انتشارات پیشبرد.
- طاهرخانی، مهدی (۱۳۷۹)، «تحلیلی بر عوامل موثر در مهاجرت های روستا-شهری»، *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، شماره ۶۲، صص ۹۳-۶۷.
- وارثی، حمیدرضا و سروری، زهتاب (۱۳۸۴)، «تحلیلی بر ارتباط متقابل توسعه، مهاجرت و شهرنشینی در ایران»، *مجله جغرافیا و توسعه ی ناحیه ای*، شماره ۶، صص ۱۹۶-۱۷۹.
- Bill, A., Mitchell, W., (2006), "Great Expectations - migration and labour market outcomes in Australia", Centre of Full Employment and Equity, Australia.
- Fan, c., (2002), "The elite, the natives, and the outsider: Migration and labor market segmentation in urban China", *Annals of the Association of American Geographers*, 92 (1):103-124.
- Haas. H. D., (2008), "*Migration and development, A Theoretical Perspective*", International Migration Institute.
- Liebig.T., (2003), "*Migration Theory from a Supply-Side Perspective*", Research Institute for Labour Economics and Labour Law.
- Somerville, W., Sumption, M., (2009) "Immigration and the labour market: Theory, Evidence and Policy". Equality and Human Rights Commission
- Taylor, J., Edward., Martin, P., (2001), "Human Capital: Migration and Rural Population Change" published by Elsevier Science, New York.

- Tyler, P., Phodes, J., (1989), "A model with which to forecast employment and population change of the regional and sub-regional level", In Congdon, P., Batey, P., (Eds), *Advances in Regional Demography*, Belharea Press, London, PP 124-149.

Archive of SID